

انتخابات ۷اسفند ۹۴ نیز به پایان رسید و مردم در بیشتر حوزه‌های انتخابیه نمایندگان خود را در مجلس دهم شناختند.نمایندگان طبیعتا پس از ورود به مجلس در قالب آرایش‌های سیاسی در مجلس خود را تعریف خواهند کرد. این موضوع را می‌توان از مواضع و رفتارهای سیاسی آنان دریافت. مجلس پس از انقلاب همواره با اکثریت‌ها و اقلیت‌هایی همراه بوده است. در دهه ۶۰ گاه اکثریت جریان چپ تا انتخاب نخست‌وزیر هم تاثیرگذار می‌شود و در دهه ۸۰ اکثریت اصولگرایی طولانی‌ترین پرونده قرن را رف و رجوع می‌کند

در این گزارش به بازخوانی آرایش گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در مجالس اول تا نهم می‌پردازیم.

■ **مجلس دوره اول(۱۳۶۳–۱۳۵۹)**

انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی در بیست و چهارم اسفندماه ۱۳۵۸ برگزار شد. در این دوره ۱۰ میلیون و ۸۷۱ هزار و ۶۴۵ نفر رأی دادند. با توجه به شرایط انقلابی جامعه ایران، مجلس این دوره، به خاطر اختلاف‌نظر شدید نمایندگان که از طیف‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی بودند، به تغییر قوانین قدیمی و تصویب قوانین جدید مشغول شد. البته وقوع جنگ در سال ۱۳۵۹، سال‌های پایانی دوره مجلس اول را به خود مشغول کرد. رئیس مجلس هاشمی‌رفسنجانی و نایب‌رئیسان سیداکبر پرورش، سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها، حبیب‌الله عسکراولادی، محمد یزدی و سیدمحمد خامنه‌ای بودند. در مرحله اول انتخابات ۱۸ نامزد از تهران و ۷۹ نامزد از شهرستان‌ها به مجلس راه یافتند. نمایندگان این دوره بیشتر از گروه‌های سیاسی زیر بودند: ائتلاف بزرگ: جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان، نهضت زنان مسلمان،سازمان فجر اسلام، اتحادیه انجمن‌های اسلامی شهری و بنیاد الهادی- ۸۵ نماینده، نهضت آزادی: حدود ۲۰ نماینده، دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور: حامی ابوالحسن بنی‌صدر - حدود ۳۳ نماینده، جبهه ملی ایران ۲ درصد، حزب توده ۴درصد، شوروی مرکزی کاندیداهای انقلابی و ترقی‌خواه: سازمان مجاهدین خلق - بدون نماینده و مستقل‌ها: حدود ۱۱۵ نماینده (۴۳ درصد) مجلس را تشکیل می‌دادند.

از جمله اقدامات مهم مجلس اول تصویب عدم کفایت سیاسی سیدابوالحسن بنی‌صدر و تصویب آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا است. این دوره ۶۲۵ جلسه علنی و ۱۶ جلسه غیرعلنی برگزار کرد که حدوداً ۲۴۰۰ ساعت وقت گرفت و ۸۰۴ لایحه و طرح مطرح شد. این پرکاری به دلیل شرایط حساس انقلاب بود. در ضمن ۲۱ بار بحث کابینه در دستور قرار گرفت که طی آن ۱۰۲ نفر وزیر رای اعتماد گرفتند و ۱۲ نفر با رای عدم اعتماد مجلس به وزارت نرسیدند.از جمله مشکلات مجلس اول نامتی کشور به واسطه انقلاب و جنگ ایران و عراق بود. طی ۴ سال ۲۲ نفر به شهادت رسیدند. علاوه بر آن ترور مسئولان ملکنتی و جایگزینی نمایندگان به‌جای آنها باعث استعفا۱۷ نفر از نمایندگان شد. آیت‌الله خامنه‌ای، مصطفی چمران، احمد توکل، احمد ناطق‌نوری، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر از جمله این افراد بودند.

■ **مجلس دوره دوم(۱۳۶۷–۱۳۶۳)**

انتخابات دومین دوره مجلس در بیست و ششم فروردین‌ماه ۱۳۶۳ برگزار شد. برگزاری انتخابات این دوره با تصرف بخش‌هایی از مناطق مرزی کشور توسط نیروهای عراق مصادف بود، اما انتخابات حوزه‌های جنگ‌زده برای مهاجرین آن شهرها در حوزه‌های مجاور برگزار شد. در این دوره ۱۵ میلیون و ۸۲۲ هزار و ۷۰ نفر در انتخابات شرکت کردند و فعالیت مجلس در این دوره شدیداً تحت‌الشعاع جنگ قرار داشت. علاوه بر این، برخی از مسائل سیاست خارجی نظیر تداوم دشمنی آمریکا و حمایت از عراق نیز از دل‌مشغولی‌های مجلس دوم بود. رئیس مجلس دوم، هاشمی‌رفسنجانی و نایب‌رئیسان محمد یزدی، مهدی کروی، محمدمهدی ربانی‌املشی بودند. این انتخابات زمانی برگزار شد که کشور طی چندین سال پس از پیروزی انقلاب دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته بود و بسیاری از یاران و حامیان اصلی انقلاب نظیر آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی به شهادت رسیده بودند و بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور ایران فراری شده و محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور بعدی نیز در حادثه‌ای به همراه نخست‌وزیر محمدجواد باهنر به شهادت رسیده بودند. گذشته از این، در خلال این سال‌ها کشور وارد جنگی ناخواسته شد و همه سرمایه‌های مادی و معنوی مصروف دفاع از کبان و استقلال ملکت شد و علاوه بر آن، گروه‌ها و تحله‌های مخالف نظیر سازمان مجاهدین خلق برای به سقوط کشاندن انقلاب، دست در دست بیگانگان و متجاوزان نهاده و با ترور اشخاصی از دولتمردان، نامتی و بی‌ثباتی ایجاد می‌کردند. مجلس دوم زمانی تشکیل شد که تجربه یک دوره مجلس در جمهوری



بازخوانی آرایش سیاسی ۹ دوره مجلس شورای اسلامی

از چپ چپ تا راست راست

- هادی قائم‌مقامی

اسلامی را در اختیار داشت. انزوای سیاسی لیبرال‌ها و یکدست بودن اکثریت نمایندگان مجلس به لحاظ اعتقاد به ولایت‌فقیه، از جمله ویژگی‌های این دوره از مجلس است. همچنین در این دوره از مجلس، اختلاف سلیقه بین نیروهای مذهبی منجر به ایجاد شکاف و اختلاف در بین آنان گردید و مقدمه‌ای شد تا بعدها جناح‌های مشهور به «چپ» و «راست» از دل این اختلافات ظهور کنند و از این جهت مطالعه عملکرد و اقدامات مجلس دوم اهمیت می‌یابد. در این دوره از مجلس، مساله رأی اعتماد به نخست‌وزیری میرحسین موسوی پیش آمد که به قضیه مشهور «۹۹ نفر» منجر شد و باز در همین دوره بررسی نقش و عملکرد حزب جمهوری اسلامی و بویژه تعطیلی فعالیت‌های حزب و نیز نقش جامعه روحانیت مبارز و اختلاف درون آن که باعث پدایی «مجمع روحانیون مبارز» شد، حائز اهمیت است. از سوی دیگر مساله اصلی کشور در مجلس دوم، جنگ و اداره آن بود. حمایت‌های گفتاری و عملی نمایندگان در لزوم دفاع از کشور، حضور در مناطق جنگ‌زده و تشویق مردم به مقاومت بیشتر و وضع قوانین جنگی و نظامی، و وقت زیادی از مجلس دوم را به خود اختصاص داد. همچنین تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام که در اثر اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان به‌وجود آمد، به اهمیت این دوره می‌افزاید.

■ **مجلس دوره سوم(۱۳۷۱–۱۳۶۷)**

در نوزدهم فروردین‌ماه ۱۳۶۷ که آخرین سال جنگ تحمیلی بود، ۱۶ میلیون و ۷۱۴ هزار و ۲۸۱ نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند تا نمایندگان مجلس سوم را انتخاب کنند. علاوه بر پایان جنگ، این دوره شاهد رحلت جانسوز حضرت امام خمینی(ره) نیز بود. مباحث سازندگی ویرانه‌های جنگ از دغدغه‌های این مجلس بود. رئیس مجلس هاشمی‌رفسنجانی (پس از انتخاب وی به‌عنوان رئیس‌جمهور، مهدی کروی رئیس مجلس شد) و نایب‌رئیسان مهدی کروی، حسین هاشمیان و اسدالله بیات بودند. در این دوره و پس از بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نام مجلس شورای ملی رسماً به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت. در طول دوره سوم مجلس شورای اسلامی در داخل و خارج از ایران حوادث مهمی روی داد که مجلس نسبت به هر کدام از آنها واکنش‌هایی نشان داد. از میان طرح‌ها و قوانین اجتماعی - سیاسی مربوط به امور داخلی کشور، ۲ طرح از بقیه مهم‌تر هستند: اول طرح تثبیت تعداد کاندیدها در هر انتخابات و دوم طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و الحاق موادی به آن، که هر دوی آنها هم باعث اختلاف ۲ جناح مهم آن روز کشور در مجلس شورای اسلامی و هم باعث واکنش‌هایی در خارج از مجلس و در سطح جامعه شد. مجلس سوم را نیز بیشتر جناح چپ در اختیار داشت. در مجلس سوم چهره‌های شاخص جناح راست نتوانستند به نمایندگی از مردم روی کرسی‌های مجلس تکیه بزنند. حتی در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز همانند مرحله اول، نامزدهای همسو با مجمع روحانیون مبارز (جناح چپ) در اغلب حوزه‌ها رأی آوردند. در تهران افراد شاخص جناح راست از

جمله آیت‌الله محمد یزدی، محمدنبی حبیبی، قربانعلی دری‌نجف‌آبادی، محسن مجتهدشهبستر، حسن غفوری‌فرد، حبیب‌الله عسکراولادی

و اسدالله بادامچیان شکست خوردند. در تهران لیست مجمع روحانیون به‌طور کامل رأی آورد و در شهرستان‌های دیگر هم طرفداران همین تفکر به مجلس راه پیدا کردند و مجلس سوم با اکثریت قاطع از



بازخوانی آرایش سیاسی ۹ دوره مجلس شورای اسلامی

و مباحث حاشیه‌ای در مجلس ششم، نمایندگان را بشدت از رسیدگی به مسائل معیشتی و مسائل مردم دور کرد. تحصن و استعفا۱ دسته‌جمعی نمایندگان که با تعبیر خروج از حاکمیت در بیانیه‌های رسمی اصلاح‌طلبان طرح می‌شد، ضربه بزرگی به مجلس زد. در نتیجه در دوره بعد مردم بیشتر به گرایش اصولگرایی روی آوردند و آبادگران در تهران پیشی گرفتند

■ **مجلس دوره هفتم(۱۳۸۷–۱۳۸۳)**

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۳۸۲ با حضور حدود ۲۳ میلیون و ۴۳۸ هزار و ۳۰ نفر (حدود ۵۰ درصد واجدان شرایط رای دادن) برگزار شد. مقابله با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، تصویب پروتکل الحاقی، تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و… از مهم‌ترین موضوعاتی بود که پس از شروع به کار این دوره مجلس در دستورکار نمایندگان قرار گرفت. رئیس مجلس هفتم، غلامعلی حدادعادل و نایب‌رئیسان آن، محمدرضا باهنر و محمدحسن ایوب‌زایی‌فرد بودند. در این انتخابات، جریان اصولگرایی با تشکل‌هایی چون جامعه روحانیت مبارز و حزب مؤتلفه اسلامی از تشکل «ائتاف آبادگران ایران اسلامی» حمایت کردند. آبادگران در انتخابات دومین دوره شوراه‌ا، پیروز شده و از شهردار شدن محمود احمدی‌نژاد در تهران حمایت کرده بود. انتخابات مجلس هفتم، زمینه‌ساز اتفاقات مهمی بود. دولت نهم به ریاست جمهوری احمدی‌نژاد برآمده از خاستگاه سیاسی و رویکردهای مجلس هفتم بود.

■ **مجلس هشتم(۱۳۹۱–۱۳۸۷)**

انتخابات مجلس هشتم در تاریخ ۲۴ اسفندماه سال ۱۳۸۶ و در نخستین سال ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد برگزار شد. در مرحله اول انتخابات، در ۲۰۵ کرسی مورد تأیید مجلس شورای نگهبان ۲۹ نامزد انتخاباتی اصلاح‌طلب (مجلس ۱۴ درصد)، ۱۵۳ نامزد انتخاباتی اصولگرا (کاندیداهای جبهه متحد اصولگرایان و ائتلاف فراگیر اصولگرایان - معادل ۴۷/۵ درصد) و ۲۳ نامزد انتخاباتی مستقل (معادل ۱۱/۵ درصد) به مجلس هشتم راه یافتند. از عبدالله نوری برد و چهره‌های متفاوت‌تری از دوره قبل از همه جریان‌ها وارد مجلس شدند. نکته قابل توجه در انتخابات مجلس پنجم، تأیید صلاحیت برخی از نیروهای ملی - مذهبی از جمله عزت‌الله سبحی، غلامعباس توسلی، ابوالفضل بازرگان و محمد بسته‌نگار، در آخرین لحظات اعلام فهرست نامزدهای تأیید صلاحیت شده بود.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات در دوران فعالیت مجلس پنجم، انتخابات ریاست جمهوری هفتم بود. در این انتخابات ناطق‌نوری رئیس مجلس و سیدمحمد خاتمی به رقابت پرداختند و در نهایت خاتمی پیروز انتخابات شد. پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم در دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتخاب سیدمحمد خاتمی به ریاست‌جمهوری، در سوم‌خرداد ناطق‌نوری، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی که رقیب اصلی انتخاباتی ریاست جمهوری نیز بود، با ارسال پیامی انتخاب وی را تبریک گفت. یکی دیگر از اتفاقات مهم مجلس پنجم استیضاح عبدالله نوری بود. عبدالله نوری پس از نشستن بر کرسی وزارت، عملاً سیاست‌های جناحی را در پیش گرفت. از وزارت او ۱۰ ماه بیشتر نگذشته بود که در ۲۰ خرداد ۱۳۷۷، سی و یک تن از نمایندگان، خواستار استیضاح اسلامی خواستار استیضاح وی به دلیل عزل و نصب‌های گسترده در این وزار تخانه و بر خورد جناحی با مسائل کشور شدند. وزیر کشور جهت پاسخگویی و دفاع از عملکرد خود در موارد استیضاح و رأی‌گیری دربارهٔ برکناری یا ابقا، به صحن علنی مجلس افزاونه و برکنار شد. همچنین در اول اردیبهشت ۱۳۷۸، سی و یک تن از نمایندگان، خواستار استیضاح عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شدند. اما با تکرر سیاسی فراوان موجب شد تا در انتخابات ۹۲ شرایط به نفع جریان رقیب رقم بخورد. با شروع استیضاح در ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۷۸ برگزار شد و مهاجرانی از مجلس رای اعتماد گرفت.

■ **مجلس دوره نهم(۱۳۸۳–۱۳۷۹)**

در مجلس نهم آرایش سیاسی مجلس بشدت تغییر کرد، چرا که تعداد نمایندگان جدید نیز افزایش پیدا کرده بود. از طرفی جبهه پایداری وحدت اصولگرایان را از میان برده بود. انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۲ اسفند ۱۳۹۰ برگزار شد. در این دوره رقابت بر سر ۲۹۰ کرسی بود. دور نخست انتخابات ۲۲۳ نامزد به مجلس راه یافتند و رقابت ۱۳۵ نفر بر سر ۶۵ کرسی به دور دوم کشید که در نیمه اردیبهشت ۱۳۹۱ برگزار شد. وزارت کشور مشارکت مردمی را ۳۰۹،۵۶۰۵ نفر و به میزان حدود ۶۶/۲ درصد واجدان شرایط اعلام کرد. در سال ۹۰ و در انتخابات اصولگرایان با ۲ لیست در انتخابات شرکت کردند. مجلسی موسوم به اصولگرا اما با تکرر سیاسی فراوان موجب شد تا در انتخابات ۹۲ شرایط به نفع جریان رقیب رقم بخورد. با شروع استیضاح در ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۷۸ برگزار شد و مهاجرانی از مجلس رای اعتماد گرفت.

■ **مجلس دوره دهم(۱۳۸۳–۱۳۷۹)**
در ۳۰ بهمن ۱۳۷۸، ۳۸ میلیون و ۷۲۶ هزار نفر واجدان رای دادن، ۲۶ میلیون و ۸۲ هزار نفر (حدود ۶۷ درصد) در پای صندوق‌های رأی حضور یافتند. در فضای گفت‌وگومان اصلاحات و فعالیت روزنامه‌های اصلاح‌طلب و در مقطعی که جامعه در کشاکش و دعواهای سیاسی برآمده از دوم خرداد بود، حوادث مشکوکی چون قتل‌های زنجیرهای و حمله به کوی کاظم جلالی به ریاست فراکسیون رهروان ولایت منصوب شد. فراکسیون اصولگرایان با تعداد حدود ۱۰۰ نماینده شکل گرفت و حامیان علی لاریجانی در مجلس که البته فقط شامل اصولگرایان نمی‌شوند تعدادشان به ۱۷۳ رسید. البته در میان آنان تعداد کمی از اصلاح‌طلبان و تعدادی نماینده مستقل نیز وجود داشت.



مجلس تکیه زدند. جامعه روحانیت مبارز و جمعیت‌های سیاسی همسو با آن همچون جمعیت مؤتلفه اسلامی و جامعه اسلامی مهندسين، چنانکه پیش‌بینی می‌شدتوفیقی‌درانتخابات نیافتند. در این انتخابات غلامعلی حدادعادل هم به مجلس راه یافت و رئیس فراکسیون اقلیت شد. هاشمی رفسنجانی سی‌ام شد و از نمایندگی مجلس انصراف داد. طرح لوایح دولتی

اشاره

در حاشیه سواد رضاخان

ملک‌الشعرا۱ بهار از نامه‌ای با امضای رضاخان سخن به میان می‌آورد که در آن لغت قزاق‌هایی را «قزاق‌های»، مأمور را «معمور»، هستند را «حستنده»، بزئید را «به زنسد»، صورت را «سورت» و بعد از از «بعذر»، نوشته و نامه را به عنوان «رضای سرتیپ»، امضا کرده است. متنی که بهار نقل کرده البته حاوی اغلاط انشایی هم هست. در سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان میرپنج با نقشه‌ای دقیق و حساب‌شده دست به کودتا زد و تهران را متصرف شد. اینکه رضاخان که بود و آیا اصل و نسیی داشت یا نه، برای ما چندان اهمیتی ندارد یا حداقل دارای اهمیت ثانوی است. نیز سخن گفتن در باب تهور و بی‌باکی او هم موضوع سخن ما نیست. عده‌ای او را ترسو خوانده‌اند و عده‌ای دیگر شجاع مهم نیست که کدامیک از

این روایت‌ها صحیح است؛ آنچه مهم است این است که به قول افلاطون خطاب به دیونیزیوس، هر کس می‌تواند شایسته صفت شجاعت باشد، الا فرد جبار. برای بحث ما مهم این است که اولاً رضاخان به‌هر دلیلی به‌عنوان عامل اصلی کودتا در نظر گرفته شده؛ ثانیاً به رغم این موضوع، نکته مهم بیسوادی رضاخان بود که هم مقامات انگلیسی به آن اشاره کرده‌اند و هم رجالی مثل ملک‌الشعرا۱ بهار. بهار نامه‌ای از رضاخان را زمانی که دارای درجه سرتیپی بود و در سمت فرماندهی فوج همدان قرار داشت، نقل کرده که در آن لغت قزاق‌هایی را «قزاق‌های»، مأمور را «معمور»، هستند را «حستنده»، بزئید را «به زنسد»، صورت را «سورت» و بعد از را «بعذر»، نوشته و نامه را به عنوان «رضای سرتیپ»، امضا کرده است. متنی که بهار نقل کرده البته حاوی اغلاط انشایی هم هست. این نامه نشان می‌دهد رضاخان از حداقل سواد متعارف در زمانی که درجه سرتیپی داشته بر خوردار نبوده‌است. مردی با این خصایص و ویژگی‌ها، درست بعد از کودتا دست به صدور احکامی می‌زد که معلوم بود به دست نویسنده‌گانی زیرک و باتجربه نوشته شده است. یکی از اینها بیانیه مشهور او بود با عنوان حکم می‌کنم. نفس عنوان این بیانیه تعجب‌آور بود. رضاخان کیست که حکم می‌کند؟ لحن بیانیه بسیار توهین‌آمیز و خشن بود. در این بیانیه به شعور مردم توهینی آشکار شده بود:

حکم‌می‌کنم:

ماده اول- تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت ۸ بعد از ظهر غیر از افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید

ماده سوم، کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند، فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.
ماده چهارم، تمام روزنامه‌جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به کلی موقوف و بر حسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند

ماده پنجم، اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه به‌کلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از ۳ نفر گرد هم باشند با قوه یورده به متفرق خواهند شد

ماده ششم، در تمام مغازه‌های شراب‌فروشی و عرق‌فروشی، تئاترها و سینماوتراغفاها و کلوپ‌های قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم، تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات دوایر دولتی غیر از اداره ازراق تعطیل خواهند بود. پست‌خانه، تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

ماده هشتم، کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازات‌هاخواهند رسید.

ماده نهم، کاتلم‌خان به سمت کمندانی شهر انتخاب شد و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود. ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹، رئیس دیویزیون قزاق اعلاحضرت شهریار۱ و فرمانده کل قوا- رضا

این بیانیه به‌قدری توهین‌آمیز بود که رهگذران در جلوی حکم می‌کنم، نوشتند… می‌خوری. عده‌ای دیگر با دبدبن جمله حکم می‌کنم، اعلان را خوانده کردند و برندن تا به زباله‌دانی سرازیر کنند. روز بعد مأموران این اعلان را از در و دیوار کردند، بعد از ۲۴ ساعت دیگر هیچ‌کس این اعلان را در سطح تهران مشاهده نکرد.

تاریخ سیاسی ایران معاصر، بسترهای تاسیس حکومت پهلوی، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۶ تا ۲۸

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

ار تباط‌بامادر شبکه‌های اجتماعی